

## واکاوی دلالت صوم بر امامت از منظر آیات و روایات

فاطمه انصاری\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۳

### چکیده

فقها در تمام دوران همواره هم رسیدن به حقیقت احکام را داشته‌اند: زیرا رسیدن به مراد شارع مقدس و نیل به حقیقت احکام، از طریق فهم معانی پنهان و اشارات کلام مولا می‌باشد. این پژوهش به بررسی بطن و حقیقت یکی از احکام الهی - صوم - می‌پردازد. نگارنده ضمن تبیین حقیقت صوم و ارتباط آن با صبر و ولایت، با نگاهی نو با استناد به قرآن و روایات نورانی حضرات معصومین (علیهم السلام) به بررسی حقیقت ارکان صوم و شئون متکثره‌ای از شهر الله می‌پردازد و اثبات می‌کند که حقیقت شهر رمضان، ابتدای تکالیف بر یسر، حکمت تشریح صیام، حدود الله، تکبیر در شهر الله الاکبر، فطر و زکات فطره؛ چیزی جز معرفه الامام و ولایت پذیری نیست. یعنی اساس صوم بر مبنای ولایت امیرالمؤمنین و اولادش می‌باشد؛ لذا به امساک در صورتی که در معرفت و طاعت امام نبوده باشد، صوم اطلاق نمی‌شود و چنین فعلی تخصصاً از عنوان صوم خارج خواهد بود. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

**کلیدواژگان:** صوم، روزه، صبر، امامت، ولایت، آیات، روایات.

## مقدمه

اساس منابع اجتهاد و استنباط در شریعت مقدس اسلام، تقلین می‌باشد؛ کتاب که بیان واضح و آشکار همه چیز در آن آمده است؛ ﴿تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ و عترت که تمام اشیا نزد ایشان به احصا درآمده است؛ ﴿وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾. خطاب‌های شرعی در تقلین، ظواهر و بطونی دارد که این هم موافق بالاترین درجات فصاحت و بلاغت است و هم ذخیره‌ای برای رفع حوائج جمیع بندگان تا روز قیامت می‌باشد، در واقع از آنجا که تقلین، تبیان کلّ شیء می‌باشند، بیان شرعی باید وجوهای متکثری داشته باشد، تا همه مکلفین با هر سطح عقلی بتواند از آن بهره ببرد. به همین سبب ملاحظه می‌شود که در اخبار، فقهات، متوقف بر معرفت معاریض کلام و لحن قول شده است، تا آنجا که به اراده شارع مقدس، بعثت خاتم الانبیاء(ص) که حجت خدا بر جهانیان می‌باشند، به تعریض بوده است. معاریض، اشارت پنهانی یا بیان مطلب در لفافه و کنایه است که دلالت وسیع و نامتناهی دارد، و معرفت به آن موجب رسیدن به مراد متکلم می‌شود. پس هدف اصلی و مقصد اعلا، در «درایت» نهفته است. درایت، به سان روایت، قواعدی دارد که بدون رعایت آن، حدیث شناسی - بلکه دین شناسی - محقق نمی‌گردد و عالمان و محدثان بزرگ، در سلوک حدیثی خویش، بدین قواعد پای‌بند بوده‌اند. گرچه تمامی این قواعد و اصول مدوّن و مبوب نیست، لیکن از لابه‌لای فقه الحدیث اندیشمندان دینی و برخورداران با روایت، قابل اصطیاد است (مهریزی، ۱۳۷۶: ۲-۹). با توجه به خلایق که در حقیقت معنای صوم وجود دارد، ضرورت دارد که با نگاهی نو به پشتوانه آیات قرآن کریم و تفسیر قرآن توسط روایات نورانی اهل بیت(ع) به بررسی آن پردازیم چراکه روش تفسیر قرآن به سنت یکی از اقسام چهارگانه تفسیر به مآثور یا تفسیر نقلی است. مقصود از سنت نزد امامیه، قول و فعل و تقریر معصوم است و مراد از این شیوه روشن کردن مفاد آیات و مقاصد آن‌ها با قول یا فعل یا تقریر معصوم(ع) است (وزیری، ۱۳۹۱: ۱۶۱-۱۸۴).

## پیشینه پژوهش

بررسی آثار موجود حاکی از این مطلب است که بررسی اصل فلسفه و بطون احکام مغفول مانده است. در حالی که اساس تفقه، بر معرفت به معاریض کلام و لحن قول

شارع مقدس و موالیان امر مبتنی است و فقاہت، بدون توجه به این مهم، موجب خروج تخصصی از معنای فقیه می‌شود.

### صوم

صوم، یکی از وجوه ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا﴾: «برای شما (جامعه بشری) از دین (آسمانی) همان را تشریح کرد که به نوح (اولین پیامبر صاحب شریعت) توصیه کرده بود» (شوری / ۱۳) می‌باشد که از همان ابتدای خلقت، تشریح شده بود. صوم دلالت بر إمساك عن الشيء دارد. این لفظ در اخبار به «صبر» اطلاق شده است. چنانچه /مام صادق در روایتی تصریح به این معنا نمودند که «الصبر هو الصوم» (عیاشی، ج ۱: ۴۳). به علاوه امام فرموده‌اند: «وَالصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ» (علی بن موسی الرضا: ۸۱) به این معنا که صیام، محدود به امساك از مُفَطِّرات نمی‌شود، بلکه در این تکلیف شرعی نیز حقیقتی نهفته است: صوم، صبر است و صبر، رأس الایمان است، از اینجا جایگاه صوم در شریعت مقدس اسلام ظاهر می‌شود.

«مؤید این مطلب، کلام /مام صادق است که به طور مفصل به وجوه صوم اشاره می‌فرمایند و روزه را اختصاص به نخوردن و نیاشامیدن نمی‌کند؛ بلکه شرایطی برای آن لحاظ می‌کند که باید حفظ شود» (اشعری قمی، ۱۴۰۸: ۲۲). پس در صورت ظاهر صوم، حقیقتی مستتر است؛ و آن حقیقت در صورت کلی به وجود مقدس حضرات جبل الله المتین اشارت دارد. «نَحْنُ الصَّلَاةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَنَحْنُ الصِّيَامُ» (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۲۲). حال این صورت تشریح، خود متشکل از مقدمات، اجزا و شروطی است که هر یک به شأنی از شئون امام مبین اشاره می‌کند.

### حقیقت صبر و صوم

بیان شد که صوم در أدله، به صبر تعبیر شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «و در کارهای تان از صبر و نماز یاری طلبید و البته نماز دشوار و گران است مگر بر فروتنان». (بقره / ۴۵). امام صادق می‌فرماید: «صبر، روزه است؛ چون مصیبتی بزرگ یا شدتی بر کسی فرود آید، پس باید روزه بگیرد، زیرا خدای عزّ و جلّ می‌گوید: از صبر یاری

بخواهید یعنی از روزه» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ص ۶۴). پس امر به استعانت از صبر و صلاة، همان امر به طلب عون از صیام و صلاة است. / امام علی در خطبه نورانیت خود به حقیقت این دو فرایض تصریح فرمودند که «فالصبر رسول الله، والصلاة إقامة ولايتي» (علوی، ۱۴۲۸: ۶۹). حقیقت صبر، رسول الله است، و صلاة مؤول به ولایت شده که حمل آن جز بر خاشعین کبیر است. پس صبر در وجود حضرت ختمی مرتبت به ظهور رسیده است. بنابراین حقیقت صیام آنگاه برای مکلف تحصیل می‌شود که در سیره و محیای آن حضرت تفقه نماید. لذا صبر یا تحمل ولایت، عهدی بوده که خداوند متعال آن را از شیعیان و مؤمنان اتخاذ فرموده است. چنانچه / امام صادق فرمودند: «خَلَقَ شَيْعَتَهُمْ، أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ وَأَنْ يَصْبِرُوا وَيَصَابِرُوا وَيُرَابِطُوا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۵۱). آن حضرت مراد از عبارت ﴿أَنْ يَصْبِرُوا وَيَصَابِرُوا وَيُرَابِطُوا﴾ (آل عمران / ۲۰۰) را در گزاره‌های مختلفی چنین تفسیر فرمودند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا عَلَى الْفُرَائِضِ وَصَابِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ وَرَابِطُوا عَلَى الْأُتْمَةِ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۱۱) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا عَلَى دِينِكُمْ وَصَابِرُوا عِدْوَكُمْ مِمَّنْ يَخَالِفُكُمْ» (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۱۶۴).

عبارات مصدر به ایمان است، پس ایمان مقدم بر صبر و صوم است، وقتی مکلف، معنون به مؤمن شود، صبر بر فرائض برای او ایجاد می‌شود. صبر بر فرائض یعنی حمل معرفة الامام چون أصل الفرائض، معرفت به ولایت است؛ «إِنَّ الْفُرَائِضَ الْوَأَجِبَةَ بَعْدَ الْوَلَايَةِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۳۹). سپس صبر در مصائب و صبر در برابر اعداء باید تحقق پذیرد، چون شیطان لعین قسم خورده تا در برابر صراط مستقیم یعنی ولایت قرار گیرد (اعراف / ۱۶). آخرین گزاره عبارت است از: «وَرَابِطُوا عَلَى الْأُتْمَةِ»، و او در اینجا از نوع نتیجه است، به این معنا که ثمره پذیرش ولایت و حمل آن و صبر در برابر مصائبی که از سوی اعداء وارد می‌شود به «رَابِطُوا عَلَى الْأُتْمَةِ» منتج می‌شود. لذا چون جمیع شئون ولایت به معنای اتم و اکمل ولایت در وجود حضرت محمد (ص) نشسته است و همه وجود آن حضرت، فرائض ولایت می‌باشد و سیره و همچنین محیای آن حضرت منحصرأ طریق الولاية است، حقیقت صوم و صبر می‌باشند. لذا مکلفین برای اقامه صلاة باید به أسوه حسنه حقیقت صبر و صوم که ایشان می‌باشد، تأسی جویند. آیه ۱۵۳ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره / ۱۵۳) از

مولانا / امام باقر مروی است که «یعنی عَلَيكُمْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ، فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۳۳). در این آیه کریمه شریفه تصریح شده است که ذات اقدس احدیت، معیت با صابریں دارد؛ یعنی معونه و معیت الله تبارک و تعالی با مؤمنانی است که به حمل اکمل و اتم معرفه الامام رسیده باشند. خداوند متعال در سوره مبارکه مریم خطاب به آن حضرت چنین می فرماید: «برای خدای رحمن نذر روزه (سکوت) کرده‌ام و امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت» (مریم/۲۶). این آیه به یکی از وجوه صیام دلالت دارد. به بیان دیگر حضرت مریم مأمور به صیام الصمت می شود، و این صوم که در منابع به وجهی از وجوه صوم تعبیر شده، اشعار به درجه‌ای از مراتب صبر دارد و مقدمه معجزه عبدالله می باشد. (مریم / ۲۹-۳۰). از این آیه استفاده می شود، زمانی که قلوب، صاحب صوم و صبر شود، نیل به حقیقت این معنا، تمهیدی برای قیام خواهد بود. همانگونه که صلح / امام مجتبی، که ظهور اتم و اکمل صبر و صوم بود، مقدمه قیام حضرت ابو عبدالله الحسین گردید. امام مجتبی در سخنی پس از تصریح بر این مهم که امام در هر زمان چه قائم و چه قاعد مطلقاً حجت الله است، به تعلیل صلح اشاره کردند: «به همان علتی که پیامبر خدا با بنی ضمیره و بنی اشجع و با اهل مکه هنگام برگشت از حدیبیه صلح فرمودند من نیز با معاویه صلح نموده‌ام، رسول خدا با آن‌هایی صلح کرد که به نص صریح قرآن کافر بودند و معاویه و اصحابش به مقتضای تأویل قرآن کافر می باشند» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱۱) بنابراین / امام حسن مجتبی متناظر با صوم و صبر و قیام حضرت ابو عبدالله الحسین متناظر با صلاة می باشد؛ در تبیین بطن دیگری از این آیه شریفه ﴿سَتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾ (بقره / ۱۵۳)؛ به معنای امر به استعانت از بسیط معنای صوم؛ یعنی / امام حسن و بسیط معنای صلاة نائل می شویم که اقامه آن در اتم معنا در قیام حسینی است. چنانچه در زیارت ناحیه مقدسه خطاب به وجود مبارک آن حضرت شده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۷۴).

### ارکان روزه: ظرف زمانی

یکی از ارکان صیام مفروض، ظرف وجوب آن یعنی ماه مبارک رمضان است. مکلفین با رویت حلول ضیافت الله، باید نیت صیام مفروض بنمایند. از آنجا که شهر الله المبارک در صیام موضوعیت دارد و از ارکان آن می باشد، لذا به تبیین تعلیل آن در این بحث

خواهیم پرداخت. تعداد ماه‌ها نزد خداوند محدود و متعین، و در کتاب الله مسطور بوده است (توبه/ ۳۶) در میان ماه‌ها، ماه خدا، ماه مبارک رمضان سید ماه‌ها می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۶). مستفاد از آیه کریمه و روایات ذیل آن مانند کلام/امام العسکری به دست می‌آید که هر یک از ایام و ماه‌ها، صاحب وجود و روح، وجوه و شئون می‌باشند که معرفت به آن‌ها، تحصیل معرفت الله است. «نحن الأيام ونحن الشهور»: «ما روزها و ما ماه‌ها هستیم» (عاملی نباطی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۵۹) و نیز فرمودند: «نحن اللیالی والایام ومن لم یعرف هذه الأيام، لم یعرف الله حق معرفته»: «ما شب‌ها و روزها هستیم. هر کس این ایام را نشناخت، خدا را آنگونه که باید شناخته است» (حافظ برسی، ۱۴۲۲: ۶۹).

اولویت و اهمیت معرفت به حقیقت ماه مبارک رمضان، به عنوان شهر مفروض صیام، با توجه به آنچه در ادله آمده است إضعاف یافته است: «ماه رمضان همان ماهی که آن را از همه ماه‌ها اختصاص داده و بر همه زمان‌ها و روزگارها برتری داده و بر همه وقت‌های سال برگزیده‌ای به سبب قرآن و نوری که در آن فرو فرستادی» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۶۲۳).

ماه مبارک رمضان به دلیل اسبابی که در نصوص به برخی از آن‌ها اشاره شده، از میان جمیع شهر و آژمنه و دهور اختیار و اصطفا شده است. در خصوص حقیقت معنای این ماه و اسباب تفضّل آن بر سایر ماه‌ها، در لسان حضرات معصومین اشاره شده است که رمضان، اسمی از اسماء الله تبارک و تعالی می‌باشد. سپس در ادامه روایت به حقیقت اسم الله تصریح شده است که هر کس در ماه رمضان از خانه خود خارج شود و رهسپار راه خدا گردد (که ماییم همان راه خدا)، که هر کس وارد این راه شد به دور قلعه‌ای محکم می‌گردد و حصن حصین همان وجود مبارک أسماء الله الحسنی یعنی امام است. همانگونه که امیرالمؤمنین علی در خطبه افتخار خویش فرمودند: «أنا الصیام وأنا شهر رمضان»: «من حقیقت روزه و ماه مبارک رمضان هستیم» (حافظ برسی، ۱۴۲۲: ۲۶۱). بنابراین برای شهر و ایام، حقیقت و روحی جعل شده، از میان شهر ماه مبارک رمضان به عنوان اسم الله، اصطفا و اختیار گشته و به همین سبب، معرفت به ظهر و بطن آن در اخبار مورد تصریح قرار گرفته است.

## شئون ماه رمضان

### رمضان: شهر الطهور

رمضان، «شَهْرُ الطَّهُّورِ» است؛ در اصل لغت از رمض به معنای شدت حرارت است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷: ۱۶۰). آنگونه که در حدیث نبوی تصریح شده، رمضان، سوزاننده ذنوب است. «إِنَّمَا سَمِيَ رَمَضَانَ، لِأَنَّ رَمَضَانَ يَرْمِضُ الذُّنُوبَ» (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۱۱). نیز در جای دیگر تعبیر "یرمض الذنوب" مقید برای مؤمنین ذکر شده است: «أَرْمَضَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ ذُنُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَعَفَّرَهَا» (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۰۵). در شرح عبارات مذکور و نیز تبیین چگونگی غفران ذنوب در ماه رمضان آمده است که تحصیل معرفت نسبت به حق رمضان و حدود آن، و رعایت آن حدود، موجب ازاله ذنوب و تطهیر مکلف خواهد شد (ابن بابویه، ۱۳۹۶: ۱۳۱). منطبق با اخبار وارده، ماه مبارک رمضان که سید و غره شهور است، قلبی دارد که آن لیلۃ القدر می باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۶). حقیقت لیلۃ القدر، وجود مبارک حضرت فاطمة الزهرا است. آنگونه که امام صادق ذیل آیه مبارکه ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ (قدر / ۱) فرمودند: «مراد از «شب»، فاطمه و مراد از «قدر» خداوند است. پس هر کس فاطمه را آنگونه که باید بشناسد، شب قدر را درک کرده است. همانا ایشان «فاطمه» نامیده شدند؛ زیرا خلایق از شناخت او عاجز هستند» (کوفی، ۱۴۱۰: ۵۸۱). بنابراین حقیقت ماه مبارک رمضان ارجاع به وجود مبارک حضرت امیرالمومنین علی دارد، و حقیقت قلب ماه مبارک، به وجود مقدس حضرت زهرا دارد. تحصیل معرفت فاطمی که قلب سید الشهور است، موجب تحصیل طهارت و ورود در حصن حصین ولایت علوی است. «فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّتَنَا بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ»: «پس از تو درخواست می کنیم اگر تصدیق کننده تو بوده ایم ما را به تصدیقمان به پدرت و جانشینش ملحق کنی، تا خود را بشارت دهیم، که به سبب ولایت تو پاک گشته ایم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵: ۹۷-۱۹۵).

### رمضان: نزول قرآن

یکی دیگر از شئون ماه مبارک رمضان، نزول قرآن در آن است. امام رضا درباره علت جعل صیام در ماه رمضان با این بیان فرمود: «روزه در خصوص ماه رمضان واجب شد نه

ماه‌های دیگر زیرا ماه رمضان همان ماهی است که خداوند تبارک و تعالی قرآن را در آن نازل فرمود. در این ماه حق تعالی بین اهل حق و باطل تفرقه انداخت، چنانچه خود در حضرت قرآن فرمود: ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن برای هدایت مردم و به منظور امتیاز حق از باطل با ادله‌ای روشن نازل گردیده است. در این ماه حضرت محمد به نبوت برانگیخته شد» (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۴: ۲۳۶). کل امر و تشریح هستی در ظرف لیلۃ القدر نازل شده است که آن وجود مبارک حضرت صدیقه کبری می‌باشد. گرچه صیام از ابتدای خلقت آدم تشریح شده بود، اما صیام شهر رمضان تخصیصاً در زمان حضرت محمد به جمیع امت آن حضرت امر شد؛ «إِنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ لَمْ يَفْرِضِ اللَّهُ صِيَامَهُ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْأُمَّمِ قَبْلُنَا إِذْ مَا فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ دُونَ الْأُمَّمِ»: «خداوند روزه ماه مبارک رمضان را بر هیچ یک از امت‌های قبل از اسلام واجب نکرد. خداوند روزه ماه مبارک رمضان را فقط بر انبیاء گذشته واجب کرده بود و امت‌های ایشان تکلیفی نسبت به روزه نداشتند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۲۴۰) زیرا امیت وجود آن حضرت که مخاطب مطلق قرآن است، حضرت ام ابیها است. ریشه جمیع تشریح هستی به نور رسول الله است که «لَوْلَا أَنَا وَ عَلِيٌّ مَا عُرِفَ اللَّهُ» (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۸۵۸)، و وجود رسول الله وجودی است امّی و ریشه آن حضرت به حضرت ام الکتاب است. لذا صیام که بیان شد از جوهش تطهیر مکلف است و این تطهیر با ولایت فاطمی تحصیل می‌شود، برای امت حضرت ختمی مرتبت امتناً در این ماه تشریح شد.

### رمضان: تدبیر امور

ماه مبارک رمضان؛ شهر طهور؛ شهر نزول حضرت قرآن در لیلۃ القدر به صورت دفعی می‌باشد. خداوند در سوره دخان می‌فرماید: ﴿حَمْدٌ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبْرَكَةٍ ۝ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ۝﴾ «حم، سوگند به کتاب روشنگر؛ که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛ ما همواره اندازکننده بوده‌ایم! در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می‌گردد» (دخان / ۱-۳). بر اساس این کریمه شریفه در لیلۃ مبارکه قدر، یُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ است. یُفْرَقُ أَي يَعْرِفُ وَ يَتَمَيَّزُ وَ يَتَجَلَّى كُلُّ أَمْرٍ ذِي حَكْمَةٍ. در لیلۃ القدر همه امر حکیم از یکدیگر متمایز می‌شود، یعنی کل امر معروف



می‌شود و هر امری از امر دیگر تفریق می‌شود، این مفارقت و تمایز در لילה مبارکه است که محقق کثرت است. لذا برخی مفسرین، به قرینه «یفرق»، «حکیم» را به بسیط، تعریف کرده‌اند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۶۵). از اینجا سببیت لילה القدر برای کل امر به دست می‌آید، چون اگر لילה القدر نبود، کل امر و همان حقیقت حضرت قرآن إلى الابد، هرگز دفعته نازل نمی‌گشت. ذیل آیات مبارکات سوره دخان، جهت تشریح معنای حقیقی و اشارت موجود در آن آمده است: «أَمَّا حَمُّ فَهُوَ مُحَمَّدٌ أَمَّا الْكِتَابُ الْمُبِينُ فَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ أَمَّا اللَّيْلَةُ فَفَاطِمَةُ أَمَّا قَوْلُهُ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، يَقُولُ: يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۷۹). در قرآن آمده است: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا﴾: «برای شما (جامعه بشری) از دین (آسمانی) همان را تشریح کرد که به نوح (اولین پیامبر صاحب شریعت) توصیه کرده بود» (شوری / ۱۳)، امر صلاة و صیام و زکات و حج و خمس که هر یک صورت امام مبین می‌باشند، از یکدیگر افتراق و تمییز می‌یابند. به همین سبب صیام که از زمان علم آدم وضع گردیده، در لילה مبارکه خطاب به جمیع مکلفین در این ماه مبارک، نازل شد و تشریح گشت، زیرا همانطور که در ابتدای این باب هم بیان شد، صوم، حمل ولایت امام مبین، به معنی الاتم و الاكمل است.

### علت تعمیم

بر این اساس، قاعده مذکور که در کریمه به عنوان تعلیلی برای ترخیص حکم استعمال شده، تخصیص به صیام ندارد، بلکه مجرای آن در جمیع تشریح است. بنابراین تشریح از منظر شارع مقدس ابتدا بر یسر دارد و نه عسر. قاعده مذکور (ابتدای تشریح بر یسر) بطنی دارد که در اخبار مفسره ذیل کریمه، تبیین آن آمده است: /امام صادق فرمودند: «الْيُسْرُ الْوَلَايَةُ وَالْعُسْرُ الْخِلَافُ وَمَوْلَاةُ أَعْدَاءِ اللَّهِ» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۹۴). در حدیثی دیگر فرمودند: «فَذَلِكَ الْيُسْرُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۰۳). پس یسر، ولایت جامع الأحكام /امیر المؤمنین علی و عسر، ولایت جبت و طاغوت است. قرار گرفتن تحت ولایت امام، محقق معنای یسر در احکام شریعت است. زیرا ظواهر تشریح با غرض ایصال عباد به حقیقة العبودية جعل شده، لذا در فروعات احکام به مکلفین رخصت داده شده تا التفات ایشان متوجه مقصد اصلی مولا در مسیر عبودیت باشد.

## حکمت تشریح صیام

انتهای آیه ۱۸۳ مبارکه سوره بقره که در مقام تشریح روزه می‌باشد، به عبارت شریف «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» ختم شده است. پس از آنکه شارع مقدس در این کریمه به تشریح صوم بر جمیع امم از زمان علم آدم تصریح می‌فرماید، غرض این شرع از شرایع را با این گزاره تبیین می‌فرماید. پس تقوا، غرض مولا از تشریح صیام بوده، و حضرت قرآن که جمیع تشریح می‌باشد، هدایتِ تخصیص یافته به متقین است (بقره/ ۲). تقوا، «خَيْرُ الزَّادِ» است و جمیع مکلفین امر به تزود نسبت به آن شده‌اند (بقره/ ۱۹۷) لذا گرامی بودن عبد، نزد معبود، علی حسب تزود تقوا متعین می‌شود (حجرات/ ۱۳) و متقین، عند ملیک مقتدر إلتجا می‌یابند (قمر/ ۵۴-۵۵) اما حقیقت تقوا که خود از اوامر علی حده الهی است و نیز غرض تشریح صوم می‌باشد، باید مورد مذاقه قرار گیرد. *أمیرالمومنین علی* در یکی از خطبات خویش فرمودند: «لَقَدْ كَانَ حَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ كَثِيرًا مَا يَقُولُ: يَا عَلِيُّ حُبِّكَ تَقْوَىٰ وَإِيمَانٌ وَبَعْضُكَ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۵) همچنین از *امام صادق مروی* است: «الْمُتَّقُونَ، شِيعَةٌ عَلِيٌّ» (ابن بابویه، ۱۴۲۹، ج ۱: ۱۸). بنابراین حقیقت تقوا، ولایت است، و متقی، شیعه من شعاع نور اهل البیت می‌باشد که امر به تزود به تقوی شده است. تزود، باب تفعل للمطاوعه است، و لذا تزود تقوا، متعلق اراده و اختیار عبد می‌باشد؛ یعنی فعل مندوحه‌ای است که مدرج می‌باشد، بنابراین به قدر اهتلمی که عبد در تحصیل تقوا دارد، نزد مولا إکرام و نزد ملک مقتدر جایگاه پیدامی‌کند. به این ترتیب، حقیقت صوم که حمل ولایت بمعنی الاتم و الاكمل است، موجب تحصیل تقوا یعنی ولایة الإمام می‌شود. به این معنا که صائمین، متقین می‌باشند و جایگاه متقین "فی معقد صدق عند ملیک مقتدر" است.

## حدود الله عز وجل

بر اساس آیه ۱۸۷ سوره مبارکه بقره برای صوم، حدودی تشریح شده است، از جمله آن‌ها، رعایت مُفْطِرَاتِی است که در صدر کریمه تصریح شد؛ مانند عدم جواز اکل از زمان اذان صبح تا اذان مغرب. اگر مکلف، ملتزم و مراعی این حدود الهی باشد، صیامش تمام خواهد بود و تعدی از حدود الله، خروج از طاعت مولا به سوی معصیت است (بقره/ ۲۲۹) و مقتضای این خروج، اطلاق ظالم بر فاعل معصیت است. ظلم، مبعّد عن المولا است زیرا

در لسان نصّ، مکلفین امر به عدم قرب به منهیات شده‌اند؛ پس اگر مکلفی مرتکب مفطرات شود، منفصل از قرب شده است. بنابراین در شریعت مقدس اسلام، التزام به حدود الهی موجب قرب عبد است و تعدّی از آن، مبعّد می‌باشد. با استناد به آیه کریمه ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (بقره / ۲۲۹)، تجاوزگر به حدود الهی، مشرک کافر است. برای تبیین تشریح که مشتمل بر حلال‌ها و حرام‌ها الی یوم القيامة است، حججی را مبعوث فرمود که اصل، آن حضرات می‌باشند و از فروع آن‌ها حلال به وجود آمده که از آن فروع، امر اهل ولایت و شیعیان به اقامه نماز و ایتای زکات و روزه ماه مبارک رمضان و... است. پس حلال چیزی است که آن‌ها جایز بدانند و حرام چیزی است که آن‌ها حرام بدانند. دشمنان آن حضرات، حرام واقعی و اصل همه محرّمات و کلّ شرّ اند و همه فروع شرّ از آن‌هاست و حرام از فروع آن‌ها و حلال شمردن آن‌هاست، و پیروان آن‌ها تا روز قیامت داخل در اوامر آن‌هایند. به عبارت دیگر ریشه دین و پایه آن، یک شخص است که آن امام امت است. پس معرفت خدا و دین، به معرفت امام است و انکار او، انکار خدا و دین است. جهل به معرفت امام، جهل به دین و حدود و شرایع الهی است (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱: ۵۲۹). بنابراین از آنجا که اصل تمام حدود الهی به وجود مبارک امام ارجاع دارد؛ حلال‌ها و امر به اطاعت از محلات از فروع آن اصل است و حرام‌ها و امر به تبعیت از محرّمات از فروع اعداء ایشان است. بنابراین صیام، زمانی تمام است که معرفت به اصل این حدود حاصل شده باشد. پس هرگاه مکلف، معرفت به آن حضرات تحصیل کند، حدود الله را اقامه نموده است و چون اراده شارع مقدس به تعیین حدود تعلق گرفته، تقصیر و جهل او در معرفت امام معذور نیست و فاعل مقصّر به کافر مشرک معنون می‌شود، پس به طریق اولی متعدّی حدود نیز چنین خواهد بود.

### تکبیر در شهر اللهِ الْاَكْبَرِ

فریضه صیام در شهر الله الاسلام، ماه مبارک رمضان تشریح شده است. ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ (بقره / ۱۸۵) هر مکلفی که شهر مبارک رمضان را شهود کند، بر ذمه او صیام، فرض می‌شود، شهود سید الشهور، به معنای معرفت به حقیقت آن است که بیان شد به / امیرالمؤمنین علی ارجاع دارد. در روایتی / امام باقر فرموده‌اند: «مَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ

يُطَافُ بِالْحِصْنِ وَالْحِصْنُ هُوَ الْإِمَامُ فَيَكْبَرُ عِنْدَ رُؤْيَيْهِ» (همان، ج ۱: ۳۱۱). دخول در این ماه، طواف در حصن است و مراد از حصن، وجود مبارک امام است که با رؤیت او، عبد ملزم به «تکبیر» است. بر اساس مستند مزبور، آغاز تکلیف صیام نیز با ذکر الله اکبر است. تکبیر در آغاز تکلیف، به معنای تحریم است، به این معنا که صائم، مُحَرَّم می‌شود و از هر آنچه موجب بُعد یا عصیان او از طاعت امام است، امساک نموده و برائت می‌جوید، در غیر این صورت افعال او تخصصاً از عنوان صیام خارج خواهد بود. همانگونه که امام باقر فرمودند: «لَا صِيَامَ لِمَنْ عَصَى الْإِمَامَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳: ۲۹۵).

پس صائم به سبب هدایتش به ولایت و معرفت بدان، ذات اقدس الهی را تعظیم و تحمید می‌نماید، و به لسان حضرت رضا «إِنَّمَا هُوَ تَعْظِيمٌ لِلَّهِ وَتَحْمِيدٌ عَلَى مَا هَدَىٰ وَعَافَىٰ» (ابن بابویه، علل الشرایع، ج ۱: ۲۹۶)؛ این تکبیر به سبب تعظیم و تحمید خداوند تبارک و تعالی است که او را به سوی صراط مستقیم یعنی ولایت ولی الله الاعظم، هدایت کرده و به همین سبب به او عافیت بخشیده است.

## فطر

شهر الله الطهور، پس از یک ماه کفّ نفس و ورع عن محارم الله، منتهی به یوم الفطر (روز نخست شوال المکرم) می‌شود. فطر، اشاره به نوع صبغت و خلقت معاینه اللّهی و معرفة اللّهی عموم مکلفین (الناس) دارد؛ همان امر تشریحی که خداوند تبارک و تعالی در آیه ۳۰ سوره مبارکه روم بدان تصریح فرموده است: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيُّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم / ۳۰). در حدیث شریف نبوی نیز تأکید شده که عموم مکلفین بر اساس همان فطرت توحیدی متولد می‌شوند: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَيُنَصِّرَانِهِ وَيَمَجِّسَانِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۳). فطرة الله همان دین قیمی است که در کریمه مورد امر شارع مقدس قرار گرفته است. فاطر مطلق از مکلفین، استقامت در فطرة الله را طلب فرموده است، چون هر مولدی بر فطرتش خلق می‌شود، پس استقامت و بقاء در آن مطلوب مولاست. حقیقت فطرت که همان دین قیم می‌باشد، بر اساس نصوص، معرفة الامام و ولایت پذیری است؛ حضرت باقر ذیل این کریمه شریفه فرمودند: «فِي قَوْلِهِ تَعَالَىٰ

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا قَال: هِيَ الْوَلَايَةُ» (همان، ج ۱: ۴۱۹). صائم پس از یک ماه روزه داری که حقیقت آن حمل ولایت بمعنی الاتم و الاكمل، وارد فطر می شود و به سوی فاطر رجوع می کند؛ یعنی به اصل فطرتش که مبتنی بر ولایت بوده است، ارجاع پیدا می کند. فاطر کسی است که عموم مکلفین بر اساس رحمت او (وَصَبَّغَهُمْ فِي رَحْمَتِهِ) فطرت ربوبی یافته و خلق شده اند. فاطر از اسامی خداوند تبارک و تعالی می باشد، که در لغت تعبیر به مبدع و مخترع و خالق شده است. حضرت صدیقه طاهره در خطبه مبارکه مفاخره به اشتقاق نام مبارک خود از فاطریت ذات تصریح فرمودند: «قَالَ عَلِيٌّ: أَنَا الَّذِي اشْتَقَّ اللَّهُ تَعَالَى اسْمِي مِنْ اسْمِهِ فَهُوَ الْعَالِي وَأَنَا عَلِيٌّ؛ قَالَتْ فَاطِمَةُ: وَأَنَا كَذَلِكَ فَهُوَ الْفَاطِرُ وَأَنَا فَاطِمَةُ» (ابن شاذان قمی، ۱۳۶۳: ۸۱). بنابراین خلق به واسطه حضرت رحمة الله الواسعه، فطرت یافته اند و ارجاع به فطر، رجوع کافه خلق به حضرت مادر است. امی بودن حضرت ختمی مرتبت به همین معنا اشاره دارد، و مخاطب اصلی امر ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ (روم / ۳۰) آن حضرت می باشد، لذا خطاب به حضرت فاطمه همواره چنین می فرمودند: «فداک ابوک یا فاطمه وانت ام ابیها» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۹۱).

### صدقه یا زکات فطره

با حلول غروب لیلۃ عید الفطر، مؤمنین، مکلف به اخراج «زکات فطره یا صدقه فطره» می شوند. خداوند متعال زکات را «صدقه» خوانده است؛ ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ (توبه / ۱۰۳) و صدقه به عمل تام و صحیح من جمیع الجهات و الشرائط اطلاق می شود. صدقه، ریشه در صدق مؤمن دارد و برهان بر صدق و وفای عهد او می باشد؛ ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ﴾ (احزاب / ۲۳) و «الصدقة برهان» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۱: ۲۴۵). بنابراین زکات، به این دلیل صدقه تسمیه شده است که موجب اكمال و صحت فعل می شود؛ اگر زکات، مالی باشد، اخراج آن موجب اكمال و صحت و بقای اموال می شود. چنانچه امیر المؤمنین علی فرموده اند: «مَنْ أَدَّى زَكَاةَ الْفِطْرَةِ تَمَّمَ اللَّهُ لَهُ بِهَا مَا نَقَصَ مِنْ زَكَاةِ مَالِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹: ۳۱۸) و اگر زکات، معنوی باشد، اعطای آن مستبب اكمال و اتمام اعمال مکلف می شود. همانطور که امام الهدی حضرت صادق فرمودند: «از کمال روزه، پرداخت فطره است، همان گونه که

صلوات بر پیامبر از کمال نماز است، چراکه هر کس روزه بدارد، اما زکات نپردازد، اگر به عمد ترک کرده باشد، برای او روزه‌ای نیست، و نیز کسی که صلوات بر پیامبر را ترک کند، نمازی برای او نیست. خدای متعال، پیش از روزه، زکات را گفته و فرموده است: رستگار شد کسی که زکات داد و نام پروردگارش را یاد کرد، و نماز خواند» (همان). لذا یوم الفطر، روز إرجاع صائم پس از یک ماه ورع از محارم الله به سوی اصل فطرت است که حقیقتش معرفة الإمام می‌باشد. به این ترتیب سبب اینکه صوم، با صدقه فطره اتمام می‌یابد آن است که صائم پس از تحصیل حقیقت صیام، با عمل صالحش، آن عهدی را که در اصل فطرتش اتخاذ شده بوده را به صداقت می‌رساند و تصدیق می‌کند.

### نتیجه بحث

حقیقت صوم، در وجود مبارک حضرت ختمی مرتبت به ظهور رسیده است. زیرا صوم، صبر است و صبر، حمل ولایت بمعنی الأتم و الأكمل می‌باشد. ماه مبارک رمضان ارجاع به وجود مبارک حضرت امیرالمؤمنین علی دارد، و حقیقت قلب ماه مبارک، به وجود مقدس حضرت صدیقه طاهره دارد. تحصیل معرفت فاطمی که قلب سید الشهور است، موجب تحصیل طهارت و ورود در حصن حصین ولایت علوی است. کلّ أمر و تشریح هستی در ظرف لیلة القدر نازل شده است که آن وجود مبارک حضرت صدیقه کبری می‌باشد. یسر، ولایت امیرالمؤمنین علی و عسر، ولایت جبت و طاغوت است. حقیقت تقوا، ولایت است و به امساک در صورتی که در طاعت امام نبوده باشد، صوم اطلاق نمی‌شود. حقیقت فطرت که همان دین قییم می‌باشد، براساس نصوص، معرفة الامام و ولایت پذیری است. زکات فطره یا صدقه فطره، عمل صالحی است که موجب اتمام صوم می‌شود. ترتیب سبب اینکه صوم، با صدقه فطره اتمام می‌یابد آن است که صائم پس از تحصیل حقیقت صیام، با عمل صالحش، آن عهدی را که در اصل فطرتش اتخاذ شده بوده را به صداقت می‌رساند و تصدیق می‌کند. و این تصدیق، همان تجدید عهد ولایت می‌باشد.

## کتابنامه

### قرآن کریم

- ابن بابویه. ۱۳۷۶ش، **الأمالی**، چ ۶، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه. ۱۳۸ش، **علل الشرائع**، چ ۱، قم: کتابفروشی داوری.
- ابن بابویه. ۱۳۹۶ق، **فضائل الأشهر الثلاثة**، محقق: غلامرضا عرفانیان یزدی، چ ۱، قم: کتابفروشی داودی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. ۱۳۸۵ش، **دعائم الإسلام**، چ ۲، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- ابن شاذان قمی، أبو الفضل. ۱۳۶۳ش، **الفضائل**، چ ۲، قم: رضی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی. ۱۳۷۹ق، **مناقب آل أبي طالب (ع)**، چ ۱، قم: علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی. ۱۴۰۹ق، **إقبال الأعمال**، چ ۲، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر. ۱۴۱۹ق، **المزار الكبير**، مصحح: جواد قیومی، چ ۱، قم: جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، چ ۳، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- استرآبادی، علی. ۱۴۰۹ق، **تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة**، چ ۱، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- اشعری قمی، احمد بن محمد. ۱۴۰۸ق، **النوادر**، چ ۱، قم: مدرسة الإمام المهدي (عج).
- بحرانی، سید هاشم. ۱۳۷۴ش، **البرهان في تفسير القرآن**، چ ۱، قم: مؤسسة البعثة.
- حافظ برسی، رجب بن محمد. ۱۴۲۲ق، **مشارك أنوار اليقين في أسرار المؤمنین (ع)**، چ ۱، بیروت: الأعلمی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **وسائل الشيعة**، چ ۱، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۲۵ق، **إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات**، چ ۱، بیروت: الأعلمی.
- صفار، محمد بن حسن. ۱۴۰۴ق، **بصائر الدرجات في فضائل آل محمد (ص)**، چ ۲، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
- عاملی نباطی، علی بن محمد. ۱۳۸۴ق، **الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديم**، مصحح: میخائیل رمضان، ط ۱، نجف: المكتبة الحیدریة.
- علوی، محمد بن علی. ۱۴۲۸ق، **المناقب**، مصحح: حسین موسوی بروجردی، چ ۱، قم: دلیل ما.
- علی بن موسی الرضا. ۱۴۰۶ق، **صحيفة الإمام الرضا (ع)**، چ ۱، مشهد: کنگره جهانی امام رضا (ع).
- عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۳۸۰ق، **تفسیر العیاشی**، چ ۱، تهران: المطبعة العلمية.
- قرشی، علی اکبر. ۱۴۱۲ق، **قاموس قرآن**، چ ۶، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق، **الکافی**، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کبير مدنی شیرازی، سيد علی خان بن احمد. ۱۴۰۹ق، **رياض السالکين في شرح صحيفه سيّد الساجدين**، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

کوفی، فرات بن ابراهيم. ۱۴۱۰ق، **تفسير فرات الکوفی**، ج ۱، تهران: مؤسسه الطبوع والنشر في وزارة الإرشاد الإسلامي.

مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، ط ۲، بيروت: دار احیاء التراث العربی.

مجلسی، محمدتقی. ۱۴۰۶ق، **روضه المتقین في شرح من لا يحضره الفقيه**، ج ۲، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامی کوشانبور.

## مقالات

مهريزي، مهدي. ۱۳۷۶ش، «**اجتهاد در فهم نصوص**»، فصلنامه علوم حديث، بهار، شماره ۳، صص ۲-۹.

وزيری، مجيد. ۱۳۹۱ش، «**روش شناسی تفسير فقهی شيعه**»، مطالعات قرآنی، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۱۶۱-۱۸۴.

## Bibliography

Holy Quran.

Ibn Babawiyah. 1997, Al-Amali, Ch 6, Tehran: Ketabchi Press

Ibn Babawiyah. 138, Causes of Sharia, Ch 1, Qom: Davari Bookstore.

Ibn Babawiyah. 1396 AH, the virtues of the three cities, researcher: Gholamreza Erfanian Yazdi, Ch 1, Qom: Davoodi Bookstore.

Ibn Hayoun, Nu'man ibn Muhammad al-Maghribi. 1385, Da'im al-Islam, Ch 2, Qom: Al-Bayt Foundation (AS).

Ibn Shazan Qomi, Abu al-Fadl. 1984, Al-Fada'il, Ch 2, Qom: Razi.

Ibn Shahr Ashob Mazandarani. 1379 AH, Manaqib Al Abi Talib (AS), Ch 1, Qom: Allama.

Ibn Tawus, Ali ibn Musa. 1409 AH, Iqbal al-A'mal, Ch 2, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.

Ibn Mashhadi, Muhammad ibn Ja'far. 1419 AH, Al-Mazar Al-Kabir, edited by Javad Qayyumi, Ch 1, Qom, Society of Teachers.

Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. 1414 AH, Arabic language, Ch 3, Beirut, Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution.

Astarabadi, Ali, 1409 AH, Interpretation of the apparent verses in the virtues of the pure Atrah, Ch 1, Qom: Islamic Publishing Foundation.

Ash'ari Qomi, Ahmad ibn Muhammad. 1408 AH, Al-Nawadir, Ch 1, Qom: Madrasa of Imam Al-Mahdi (as).

Bahrani, Seyed Hashem. 1374, Al-Burhan Fi Tafsir Al-Quran, Ch 1, Qom: Ba'ath Foundation.



- Hafiz Barsi, Rajab bin Muhammad. 1422 AH, Mashreq Anwar Al-Yaqin in the secrets of the Commander of the Faithful (pbuh), Ch.
- Muhammad bin Hassan. 1409 AH, Shiite means, Ch 1, Qom: Al-Bayt Foundation (AS).
- Horr Ameli, Muhammad bin Hassan. 1425 AH, Proof of guidance with texts and miracles, Ch 1, Beirut: Scientific.
- Saffar, Muhammad ibn Hassan. 1404 AH, Seeing the degrees in the virtues of the family of Muhammad (PBUH), Ch 2, Qom: Library of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi.
- Ameli Nabati, Ali bin Muhammad. 1384 AH, the straight path to the deserving presenter, corrected: Mikhail Ramadan, 1st floor, Najaf: Al-Haydari Library.
- Alawi, Muhammad ibn Ali 1428 AH, Al-Manaqib, Editor: Hussein Mousavi Boroujerdi, Ch 1, Qom: Our reason.
- Ali ibn Musa al-Reza. 1406 AH, Sahifa of Imam Reza (AS), Ch 1, Mashhad: World Congress of Imam Reza (AS).
- Ayashi, Muhammad ibn Mas'ud. 1380 AH, Tafsir Al-Ayashi, Ch 1, Tehran: Scientific Press.
- Gharshi, Ali Akbar. 1412 AH, Quran Dictionary, Ch 6, Tehran: Islamic Bookstore.
- Kalini, Muhammad ibn Ya'qub 1407 AH, Al-Kafi, Ch 4, Tehran: Islamic Books House.
- Kabir Madani Shirazi, Sayyid Ali Khan bin Ahmad. 1409 AH, Riyadh Al-Salkin in the explanation of the book of Sayyid Al-Sajeddin, Ch 1, Qom: Islamic Publications Office.
- Kufi, Euphrates Ibn Ibrahim. 1410 AH, Tafsir Euphrates Al-Kufi, Ch 1, Tehran: Printing and Publishing Foundation in the Ministry of Islamic Guidance.
- Majlisi, Mohammad Baqir 1403 AH, Sea of Lights, 2nd floor, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Majlisi, Mohammad Taqi 1406 AH, Al-Muttaqin shrine in the explanation of the presence of the jurispudent, Ch 2, Qom: Islamic Cultural Institute of Kushanbour.

#### Articles

- Mehrizi, Mehdi 1997, "Ijtihad in understanding texts", Quarterly Journal of Hadith Sciences, Spring, No. 3, pp. 2-9.
- Vaziri, Majid 2012, "Methodology of Shiite jurisprudential interpretation", Quranic Studies, Volume 3, Number 11, pp. 161-184.

Quarterly Journal of Quranic Studies, Twelfth Year, No. 46, Summer 2021, pp. 107-125

### **Analysis of the Implication of Fasting on Imamate from Verses and Hadiths' Viewpoint**

Acceptance Date: April, 23, 2020

Receiving Date: January, 1, 2020

**Fatemeh Ansari:** PhD Candidate, Law and Jurisprudence, Orumiyeh University

#### **Abstract**

The jurists have always had tried to reach the truth of the rules: because reaching the goal of the holy shari'ah (religion) and achieving the truth of the rules is through understanding the hidden meanings and allusions of the word of the Lord. The present study examines the root and the truth of one of the divine commandments: fasting. While explaining the truth of fasting and its relationship with patience and guardianship, the author studies the truth of the props of fasting and the many events of the city of God with a new look by quoting Holy Qur'an and enlightening narrations of Innocents (PBUH) and proves that the truth of the city of Ramadan is basis of duties, the wisdom of fasting legislation, Takbir in the city of Allahu Akbar, Fitr and Zakat of Fitr; It is nothing but the knowledge of the Imam and the acceptance of guardianship. Therefore, fasting is not referred to fasting if it is not in the knowledge and obedience of the Imam, and such an act will be specifically excluded from the title of fasting. This research is done with descriptive – analytical method.

**Keywords:** fasting, patience, Imamate, guardianship, Verses, narrations.